



بیانیہ وزیر فرهنگ درباره انتخابات

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بیانیه‌ای درباره چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بر صیانت از آمان‌های بلند رئیس‌جمهور شهید تأکید کرد. در بیانیه محمد مهدی اسماعیلی آمده است: «با استحضار احاد ملت بزرگ ایران سر بلند می‌رساند پس از شهادت رئیس‌جمهور عزیز و پر تلاش‌مان حضرت آیت‌الله دکتر رئیسی و عزیزان همراهش که داغی همیشگی بر جان و روح همه علاقه‌مندان گذاشت، بر حسب تکلیف شرعی، تصمیم به ثبت‌نام در انتخابات ریاست‌جمهوری گرفتیم. انگیزه اصلی بنده، تبیین و دفاعی گفتمان عزت‌آفرین انقلاب اسلامی و تداوم راه نورانی این شهید عالی‌قام و استمرار خدمت بود که در سیره و سلوک و منی عملی استاد عزیزمان، رئیس‌جمهور شهید، کارآمدی و کفایت خود را در کامل‌ترین صورت به منصف ظهور رسانده بود.»

در ادامه آمده است: «اینک با احترام به نظر شورای محترم نگهبان و با تقدیر از عزیزی که در این مدت کوتاه بذل محبت و توجه داشتند، به‌ویژه همکاران خدوم در دولت مردمی که با اعلام حسن ظن خود، همراهان منمن فرمودند، از همه گروه‌ها و اقشار انقلابی و متدین که حمایت و پایمردی خود در صیانت از آرمان‌های بلند رئیس‌جمهور شهید و جامع‌الاطراف را نشان دادند، سپاسگزاری می‌کنم. از همه دوستاندارم به تداوم خدمات دولت مردمی، در خواست دارم با قوت در انتخابات شرکت کنند و شخصیتی انقلابی، کارآمد و مطیع ولایت و دارای بیشترین قربت به مرام رئیس‌جمهور شهید را برای سکنداری خود قلمه.»

انتخاب کنند تا مسیر استقرار کامل دولت اسلامی به‌خوبی طی شود.»



رقابت جدی بین قالیباف و یزشکیان

محمدعلی ابطحی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور
پیشین دولت اصلاحات در حساب کاربری
خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «یکی
از مشاهد، یکی از تبریز، هم شرقی، هم غربی.
با خبرهای رسمی فکر می‌کنم رقابت جدی بین
قالیاف و پزشک‌های شمال شکل می‌گیرد.»



خبر امیدوارکننده‌ای بود

محمود صادقی، عضو هیئت‌رئیس‌ه جبهه اصلاحات در گفت‌وگو با جماران درباره تأییدصلاحیت‌شدگان انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: «اگر چه در میان داوطلبان افراد ذی‌صلاح زیادی حضور داشتند، اما به هر حال شورای نگهبان اسامی این شش نفر را اعلام کرده و این آرایش نشان می‌دهد که سهم عمده با جناح اصولگر است؛ البته طیف‌های مختلف جناح اصولگر، که برای رسیدن به وحدت کار سختی دارند. ولی تأیید یا احراز صلاحیت یکی از سه کاندیدای جبهه اصلاحات هم خبر امیدوارکننده‌ای است.» وی در ادامه با اشاره به پنج کاندیدای اصولگر در مقابل یک کاندیدای جبهه اصلاحات و شانس موفقیت‌پزشکیان تصریح کرد: «من فکر می‌کنم طیف اصولگرایان یکدست نیست و به نوعی یک تنوع درون جناحی وجود دارد؛ اگر به همین شکل باشد و آرایش تغییر نکند، کار جبهه اصولگرای سخته‌تر از جبهه اصلاح‌طلبان است و این آرایش بیشتر به نفع کاندیدای اصلاحات است.» او در پایان درباره جدی‌ترین رقیب‌پزشکیان گفت: «طبیعتاً آقای قالیباف و بعدش آقای جلیلی است.»

درصد و انتخابات دوره‌های سوم، هشتم، یازدهم و دوازدهم مشارکت بین ۵۷۰ تا ۸۰ درصد بوده است) دو بار در تاریخ ایران شاهد برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری بوده‌ایم که دومین مورد آن به علت بمب‌گذاری در دفتر نخست‌وزیر و شهادت محمدعلی رجایی، رئیس‌جمهوری و محمدجواد باهنر بوده است. نکته مهم این است که میزان مشارکت در انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری از شهادت رجایی و باهنر در مقایسه با انتخابات قبلی رشد ده‌درصدی داشته است.

▼ معمای مشارکت در هشتم تیر

باتوجه به اینکه کمترین میزان مشارکت در انتخابات های تاریخ جمهوری اسلامی ایران در سال های اخیر به ثبت رسیده به گونه ای که رکورد کمترین میزان مشارکت در انتخابات های ریاست جمهوری مربوط به دوره سیزدهم است، در آستانه انتخابات دوره چهاردهم این سوال ایجاد شده که تکلیف مشارکت در این انتخابات زودهنگام چه خواهد شد؟ آیا باز هم شاهد مشارکت پایین و اویهم بود و یا اینکه با افزایش مشارکت روبرو می شویم و اویهم اصولاً چه فاکتورهایی در میزان مشارکت تأثیر دارند؟

در این ارتباط، سه کارشناس پاسخگوی سه سوال مطرح‌شده خبرنگار هم‌میهن بودند. عباس عبدی (تحلیل‌گر سیاسی اصلاح‌طلب)، ناصر ایمانی (تحلیل‌گر سیاسی اصول‌گرا) و امان‌الله قرایی‌مقدم (جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلّم) سه کارشناسی هستند که به سوالات هم‌میهن در نظرخواهی این شماره پاسخ دادند.

سوم بوده که بیش از ۷۴ درصد در انتخابات شرکت کردند و آیت الله سیدعلی خامنه‌ای از دل آن انتخابات به ریاست جمهوری ایران رسید.

اما در بحث کم‌مشارکت‌ترین انتخابات ریاست جمهوری تاریخ ایران، باید به سراغ انتخابات دوره سیزدهم ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰ رفت که نزدیک به ۴۹ درصد (به صورت دقیق ۴۸/۸۸ درصد) در انتخابات شرکت کردند و سیدابراهیم رئیسی به عنوان رئیس جمهوری راهی یاستور شد. دومین انتخابات کم‌مشارکت در تاریخ ایران هم در سال ۱۳۷۲ به ثبت رسید. در انتخابات ریاست جمهوری دوره ششم نزدیک به ۵۱ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند و اکبر هاشمی رفسنجانی برای دومین بار رئیس جمهوری ایران شد. در ده سوم کم‌مشارکت‌ترین انتخابات‌های ریاست جمهوری تاریخ ایران هم انتخابات دوره پنجم ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۸ قرار دارد. انتخاباتی که با مشارکت نزدیک به ۵۵ درصد همراه بود و اکبر هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری رسید.

۴ در بازه‌های میزان مشارکت در انتخابات‌های ریاست جمهوری ایران، یک‌بار مشارکت بالای هشتاد درصد ثبت شده و یک‌بار هم مشارکت زیر ۵۰ درصد بوده است اما پرتعدادترین بازه میزان مشارکت مربوط به ارقام بین ۵۰ تا ۶۰ درصد، ۶۰ تا ۷۰ درصد و ۷۰ تا هشتاد درصد بوده است. در تمام این بازه‌های رقیمی ۴ بار انتخابات به ثبت رسیده است. (انتخابات دوره‌ای چهارم، پنجم، ششم و دور دوم دوره نهم مشارکت بین ۵۰ تا ۶۰ درصد؛ انتخابات دوره‌های اول، دوم، هشتم و دور اول دوره نهم مشارکت بین ۷۰ تا ۷۰



در آستانه انتخابات دوره چهاردهم این سوال ایجاد شده که تکلیف مشارکت در این انتخابات زودهنگام چه خواهد شد؟ آیا باز هم شاهد مشارکت پایین خواهیم بود و یا اینکه با افزایش مشارکت روبه‌رو می‌شویم و اینکه اصولاً چه فاکتورهایی در میزان مشارکت تأثیر دارند؟

۴۵ ساله‌ای که از عمر جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد، تاکنون مردم ایران ۱۳۰۱ بار برای انتخاب رئیس‌جمهوری پای صندوق رفته‌اند. (عنوان ۱۳۰۱ دوره برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری به این علت است که در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم در سال ۱۳۸۱، در دور اول هیچ کاندیدایی نتوانست اکثریت آرا را با بدست آورد و برای اولین و تنها بار، انتخابات ریاست‌جمهوری ایران به دور دوم کشیده شد).

اما نگاهی به آمار مشارکت در تاریخ انتخابات‌های
یاست جمهوری ایران، بیان‌گر نکات جالبی است:

طی ۱۴ انتخاباتی که برگزار شده، در مجموع ۵۴۰ میلیون و ۲۷۰ هزار و ۴۱۵ نفر واجدین شرکت در انتخابات ریاست جمهوری بوده‌اند که از این تعداد، ۳۵۴ میلیون و ۲۷۱ هزار و ۶۵۴ نفر در انتخابات شرکت کرده‌اند. به عبارتی میانگین مشارکت در ۱۴ انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده، ۶۵/۵۷ درصد بوده است.

۲ در تاریخ انتخابات‌های ریاست‌جمهوری ایران، پشمارکت‌ترین انتخابات در دوره دهم در سال ۱۳۸۸ رخ داد که در آن دوره نزدیک به ۸۵ درصد (به صورت دقیق ۸۴/۸۳ درصد) از واجدین شرایط پای صندوق‌های رای آمدند و در نهایت، نام محمود محمودی‌نژاد به‌عنوان رئیس دولت دهم اعلام شد. رده دوم بیشترین میزان مشارکت هم مربوط به دوره هفتم در سوم خرداد ۱۳۷۶ است که نزدیک به هشتاد درصد از واجدین شرایط در انتخابات شرکت کرده و سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور شد. رده سوم پشمارکت‌ترین انتخابات هم مربوط به سال ۱۳۶۰ و انتخابات دوره

اخيراً یک نظرسنجی انجام شده که براساس آن نزدیک به ۳۰ درصد از مردم گفته‌اند که فرقی ندارد چه کسی رئیس‌جمهور باشد و خروجی در نهایت یکسان است. علت وجود این شاخص به تفاوتی در این حوزه را چه می‌دانند؟

نمی‌تواند خواسته‌های جامعه را از ابعاد مختلف برآورده کند. این خواسته‌ها فقط هم اقتصادی نیست، بلکه شاید بتوان گفت مسائل فرهنگی و اجتماعی اهمیت بیشتری داشته باشند. زیرا مافطاعی را داشته‌ایم که به لحاظ اقتصادی مردم در سختی بودند اما به لحاظ فرهنگی و اجتماعی فاصله کمی با حاکمیت داشته‌اند. مثلاً در دهه اول انقلاب ما همین موضوع را می‌دیدیم. این آسیب روحی که در طی زمان ایجاد شده است، این احساس را ایجاد کرده و باید با آن برخورد هوشمندانه، دقیق و علمی در زمانی طولانی در انجام داد که این احساس از بین نرود. اقتضای همه که این احساس را دارند از اقتضای مختلف هستند نباید تصور کرد که همه اینها متعلق به طبقات بالای اقتصادی جامعه هستند.

نیستند و بنابراین فرقی ندارد چه کسی به مجلس برود و یا رئیس‌جمهور شود. ممکن است اصل این احساس غلط باشد اما این احساس وجود دارد و واقعی است. باید این احساس را جواب داد، جواب به این احساس هم شفاهی نیست که بخواهیم پشت بلندگو درباره آن حرف بزنیم، باید بررسی شود که چرا این بخش محترمی از مردم ما درصد کمی هم نیستند و براساس همین پژوهش یک‌سوم جمعیت را شامل می‌شوند، به این احساس رسیده‌اند؟ ایجاد این احساس در بین یک‌سوم مردم، موضوعی نیست که بخواهیم بگوییم در همین یکی دو سال اخیر ایجاد شده است، بلکه گذر زمان باعث شده به این احساس برسند. شاید بتوان گفت که بیست سال است که این احساس در بخشی از مردم به تدریج نفوذ کرده که حاکمیت

عباس عسدی: اینکه مردم چنین چیزی را گفته‌اند درست است اما باید عکس آن را هم در نظر بگیریم و این است که چه درصدی اعتقاد دارند که «مهم» است که چه کسی رئیس‌جمهور شود»، این گروه از مردم نیز مهم هستند. آن ۳۰ درصد اکثریت نیستند، حداقل چیزی بین ۵۰ تا ۶۰ درصد مردم برایشان مهم است که چه فردی به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود. بنابراین نه‌فرا می‌آیند و مشارکت می‌کنند به شرط اینکه گزینه‌های مطلوب خودشان در به‌طور نسبی در نامزد‌ها ببینند، نه‌فرا اگر دیدند فردی را نامزد‌ها هست که خواسته‌های آنها را پاسخ می‌دهد، می‌آیند و شرکت می‌کنند.

امان‌الله قزایی مقدم: همانطور که در سوال اول اشاره کردم، ما متأسفانه شاهد فرورختن طبقه اجتماعی متوسط هستیم، به همین علت است که مثلاً در انتخابات اخیر مجلس که در اسفندماه سال قبل برگزار شد بنابر اعلام دولت مشارکت ۲۰ درصدی را داشتیم که رقم ضعیف است و فاجعه محسوب می‌شود. این رقم یعنی اینکه بیش از نیمی از مردم جامعه ما از سیستم سیاسی دور شده و فاصله گرفته‌اند و این موضوع خیلی بد است. وجود این عوامل باعث شده که ما شاهد بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی نسبت به سیاست و سیستم سیاسی از سوی برخی از مردم باشیم. فوق‌ویا ما در سال ۲۰۰۰ گفته است که مهم‌ترین سرمایه اجتماعی، اعتماد است. ما در جامعه‌شناسی دو نوع اعتماد داریم، یک نوع اعتماد افقی است که بین شهروندان قرار خواهد بود و یک نوع هم اعتماد عمودی است که بین سیستم سیاسی و شهروندان برقرار است، این اعتماد عمودی روند نزولی پیدا کرده است، در نتیجه شاهد بی‌تفاوتی در بین بخشی از مردم هستیم و می‌بینیم که برخی می‌گویند چه فرقی می‌کند چه کسی در ایران رئیس جمهور باشد. البته این را هم باید گفت که این بی‌تفاوتی به یکباره ایجاد نشده است، بلکه ناشی از روندی است که طی دهه‌های اخیر به وجود آمده است. براساس نظری «لودویگ فون براتلانی» سیستم دارای ورودی، فرایند و خروجی است، یعنی هر چه به جامعه بدهی پس از فرایندی گمان را برمی‌گرداند. آزمایشگاه جامعه باعث شده که بخشی از مردم به این نتیجه برسند و بگویند برایشان فرقی نمی‌کند که چه کسی رئیس جمهور شود. اما سوالی که باید بررسی شود این است که چرا ما در اوایل انقلاب شاهد این بی‌تفاوتی نبودیم؟ یک خانواده سه فرزند را به جبهه می‌فرستاد و شهید می‌شدند اما ضم به ابرو نمی‌آوردند. این یک پروسه است که شاهد این بی‌تفاوتی در بخشی از مردم هستیم.

ناصر ایمانی: همان‌طور که گفتیم این افراد احساس می‌کنند این رئیس‌جمهور و این مجلسی که سرکار می‌آید، کارآمدی لازم را برای اداره کشور ندارند، افراد توانمندی برای اداره کشور

[illegible]